



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

نشست پژوهشی با حضور؛

جناب آقای حجت‌ا... بنیادی، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت

مسائل آموزش و پرورش (۶)

هدایت تحصیلی تا چه اندازه بر اساس نیاز کشور صورت می‌گیرد؟

(سازوکارهای مهارت‌آموزی در دوره متوسط چگونه باید باشد؟)



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: فریفته هدایتی

تهیه شده در «مدیریت پژوهش‌های خبری»

- آموزش مهارت‌های شغلی یکی از لازمه‌های زندگی هر فرد و از موارد مهم در نظام تعلیم و تربیت هر کشوری است.
- در اغلب کشورها نظام یکپارچه‌ای برای برنامه‌ریزی تربیت نیروی انسانی وجود دارد.
- مهمترین خلأ نظام مهارت‌آموزی کشور، نبود جامعیت و یکپارچگی در نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مهارت‌آموزی است.
- این عدم یکپارچگی باعث شده که نظارتی نباشد و بدون توجه به نیاز حال و آینده کشور سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی بکنیم.
- در کشورهای پیشرفته همین که استعداد و علایق دانش‌آموز شناخته شد دیگر او را درگیر مواردی که علاقه و استعداد ندارد نمی‌کنند. آموزشها هدفمند و شخصی‌شده بر دروس مهارتی اصلی متمرکز می‌شود
- در حال حاضر توسعه هنرستان‌ها در سطح استان‌ها بر اساس مقدار اعتبار مالی و به سمت رشته‌هایی است که کم‌هزینه‌تر باشند.
- تا زمانی که هماهنگی بین این نهادها برقرار نشود طرح‌هایی چون طرح جامع هدایت تحصیلی، مهارت‌آموزی و آمایش آموزش عالی هم چندان موفق نخواهند بود.

هدایت تحصیلی درست و آموزش مهارت‌های شغلی

بر مبنای سوابق توصیفی دقیق
نه بر مبنای نمرات دروس نظری
متناسب با برآورد نیاز حال و آینده
آشنایی با مشاغل مختلف و دادن اطلاعات دقیق شغلی
اصلاح فرهنگ ناصحیح حکمفرما بر انتخاب رشته به‌ویژه در دوره دانشگاهی

مقدمه □

درس خواندن یعنی آموزش خوب زندگی کردن و رسیدن به حیات طیبه که شامل مهارت‌های زندگی به شکل عام و مهارت‌های شغلی و تحصیلی است. یعنی هر فرد باید ویژگی‌ها و شایستگی‌های عمومی را برای زندگی روزمره کسب کند و فارغ از جنسیت و اینکه در کدام منطقه و چه سطح سواد باشد، قدش کوتاه باشد یا بلند، معلول باشد یا نباشد و .. باید بتواند شغل و منبع درآمدی برای خود داشته باشد و اگر بر حاکمیت ثابت شد که این شخص توانایی انجام کار ندارد، نهادهای حمایتی باید از او به عنوان یک شهروند به طور کامل حمایت کنند. یعنی یا فرد توانایی خدادادی برای انجام کار دارد و از طریق مهارت‌آموزی وی را توانمند می‌کنند و شغل مناسب در اختیارش می‌گذارند و یا اینکه اگر توانمندی خدادادی ندارد زیر پوشش حمایت‌های اجتماعی حاکمیت معیشت اولیه را با حفظ کرامت انسانی برایش فراهم می‌کنند.

- آموزش مهارت‌های شغلی در نظام تربیت نیروی انسانی کشور به چه صورت است؟
- چالش اساسی در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان ما چیست؟
- هدایت تحصیلی در کشورهای پیشرو چگونه است؟
- توزیع رشته‌های مهارت‌آموزی در دوره متوسطه چگونه باید باشد؟
- در نظام آموزش عالی ما توزیع رشته‌ها به چه صورت است؟

- برای مدیریت صحیح در این حوزه چه سازوکاری وجود دارد؟

- برای هدایت تحصیلی درست و آموزش مهارت‌های شغلی در نظام تربیت نیروی انسانی کشور چه باید کرد؟
اینها پرسشهایی است که برای یافتن پاسخ آنها در نشست پژوهشی با حضور جناب آقای حجت الله بنیادی، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت و عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان به گفتگو نشستیم.^۱

۱- آموزش مهارت‌های شغلی در نظام تربیت نیروی انسانی کشور به چه صورت است؟

آموزش مهارت‌های شغلی از موارد مهم در نظام تعلیم و تربیت همه کشورها است. در کشور ما مهارت‌های شغلی در دو سطح (هنرستانها و دانشگاه‌ها) ارائه می‌شود. هنرستانها در همه کشورها با این هدف ایجاد شده‌اند که هنرجویان و دانش‌آموزان مهارت‌های شغلی مورد نیاز جامعه را کسب کنند. در دانشگاه‌ها هم در سطحی بالاتر رشته‌های فنی مهندسی، حقوق و ... به نوعی مهارت‌های شغلی را به افراد یاد می‌دهند.

مهمترین خلاء نظام مهارت‌آموزی کشور جامع و یکپارچه نبودن نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مهارت‌آموزی است.
آموزش و پرورش به یک شکل برنامه‌ریزی می‌کند و آموزش عالی به شکلی دیگر و هیچکدام مبتنی و متناسب با نیاز و مقتضیات کشور نیست. در اغلب کشورها نظام یکپارچه‌ای برای برنامه‌ریزی تربیت نیروی انسانی (از مدرسه تا دانشگاه) وجود دارد. فردی که وارد این مجموعه می‌شود در نهایت به‌عنوان یک شهروند با توانمندیهای لازم در خصوص مهارت‌های زندگی و مهارت‌های شغلی از آن مجموعه خارج می‌شود. منتهی اینکه در چه سطحی از آن نظام خارج می‌شود بستگی به ظرفیتهای وجودی، میزان و نوع علاقه‌مندیهای آن فرد، سیاستهای کلان آن کشور و نیازهای جامعه دارد.

۲- چالش اساسی در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان ما چیست؟

هنگامی که دانش‌آموز می‌خواهد وارد دوره متوسطه دوم شود، هدایت تحصیلی بر مبنای سوابق تحصیلی و نمرات نظری وی انجام می‌شود. این نمرات نظری بر اساس دو آزمون انجام می‌شود: یکی آزمون سنجش توانمندی (شامل سوالاتی از درس ریاضی و علوم و ...)، دیگری آزمون رغبت و علاقه‌مندی و بخش دیگر هم به نظر دانش‌آموز و نظر اولیا و معلم‌ها بستگی دارد. به مجموع همه اینها نمره‌ای از ۱۰۰ نمره تعلق می‌گیرد و بر اساس آن، هدایت تحصیلی دانش‌آموز انجام می‌شود. یعنی ارزشیابی توصیفی که در دوره ابتدایی قرار بود ملاک باشد تحقق نیافته است. این شیوه به هیچ وجه کفایت لازم برای هدایت تحصیلی درست دانش‌آموز ندارد و خود یک چالش اساسی است.

۳- هدایت تحصیلی در کشورهای پیشرو چگونه است؟

در کشورهای پیشرو، هدایت تحصیلی بر مبنای سوابق توصیفی تحصیل در دوره ابتدایی و دوره قبل از هدایت تحصیلی انجام می‌شود. مهارت‌های مختلف را به شکل غیرمستقیم به بچه‌ها یاد می‌دهند و بدون آنکه آزمونی گرفته شود در جریان فعالیتهای روزمره و کارهای دستی بچه‌ها در مدرسه توانمندی و ظرفیت آنها در مشاغل مختلف شناخته و در پرونده سنجش توصیفی دانش‌آموز در یک کارنامه منسجم تشریحی ثبت می‌شود که او در کدام حوزه‌های فنی و مهارتی علاقه و استعداد بیشتری دارد. هم، اولیای دانش‌آموز و معلمان بر توانمندی‌ها و علایق دانش‌آموز اشراف پیدا می‌کنند. هم یک سند مکتوب وجود دارد و کارهایی که دانش‌آموز انجام داده به او برگردانده می‌شود تا اولیا مطلع شوند که استعداد فرزندشان به چه شکل است. بعد در دوره متوسطه اول تمرکز برنامه‌ها برای دانش‌آموز در راستای سه چهار مهارتی است

که در دوره اول تشخیص داده شده است. حتی از طریق جستجوهای اینترنتی و اینکه چه کلیدواژه‌هایی بیشتر استفاده کرده می‌توانند علاقه‌مندی‌های افراد را کشف کنند و حتی این که در گروه‌های مختلف که عضویت دارند چگونه با اعضا تعامل دارند اینها همه به کشف استعدادها و علایق و مهارت‌های اجتماعی افراد کمک می‌کند و می‌تواند مبنای هدایت تحصیلی و حرفه‌ای آنان قرار گیرد. در کشورهای پیشرفته همین که استعداد و علایق دانش‌آموز شناخته شد دیگر او را درگیر مواردی که علاقه و استعداد ندارد نمی‌کنند. آموزشها هدفمند و شخصی شده بر دروس مهارتی اصلی متمرکز می‌شود (اینطور نیست که همه مجبور باشند ریاضی یا تاریخ را در دوره راهنمایی بگذرانند). موضوعات دروس عمومی هم بصورت اختیاری و در اولویت بعدی برای دانش‌آموز ارائه می‌شود.

۴- توزیع رشته‌های مهارت‌آموزی در دوره متوسطه چگونه باید باشد؟

توزیع رشته‌های مهارت‌آموزی در دوره متوسطه و توسعه هنرستانها باید بر مبنای نیاز حال و آینده کشور با رویکرد محلی باشد. بر مبنای پژوهشهای علمی برآورد قابل قبولی از نیازهای کشور بدست می‌آید و مشخص می‌شود که مثلا در رشته زنبورداری در چه مناطقی و به چه تعداد مورد نیاز است و بر این مبنا توزیع و توسعه ظرفیت هنرستانها و رشته‌ها صورت پذیرد. اما در حال حاضر متاسفانه توسعه هنرستانها در سطح استانها بدون توجه به نیازهای کلان جامعه، بر اساس مقدار اعتبار مالی و به سمت رشته‌هایی است که کم‌هزینه‌تر باشند مثلا حسابداری و کامپیوتر. در حالیکه نیاز استان مثلا به مهارت کاشی کاری بیشتر است. رشته مدیریت خانواده که الان در هنرستانها تدریس می‌شود، دروس مهارت‌های زندگی سایر کشورهاست که در سطح عمومی و برای همه دانش‌آموزان است. ما برای اینکه رشته کم‌هزینه در هنرستان داشته باشیم این رشته را دایر کرده‌ایم. گلفروش‌ها یا راننده‌های تاکسی و .. چند درصدشان تحصیلاتی دارند که در اینجا به دردشان نخورده و می‌توانسته‌اند بدون گذران وقت و سرمایه در این حرفه موفق باشند؟ اینها را ما آموزش حرفه‌ای در دبیرستانها نمی‌دهیم و وقتشان را با دروس نظری تلف می‌کنیم. بعد از این هم هیچ نظارت حرفه‌ای بر اینها نداریم که به‌روآوری شوند. برای همه مشاغل خدماتی می‌توان مثالهایی از این دست آورد. به همین دلیل و ضع ارائه خدمات در کشور اینقدر به هم ریخته است.

۵- در نظام آموزش عالی ما توزیع رشته‌ها به چه صورت است؟

در آموزش عالی هم متاسفانه توسعه رشته‌های دانشگاهی بر مبنای نیاز و اقتضات کشور نیست و مجوز رشته‌ها در دانشگاه‌های دولتی بر مبنای چارچوبهای شورای گسترش وزارت علوم داده می‌شود و در دانشگاه آزاد هم اخیرا مطرح شده که مستقلا می‌خواهد این کار را انجام دهد. آموزش عالی اصلا به بازار اشتغال و سطوح کارشناسی مورد نیاز در رشته‌های مختلف کاری ندارد. در رشته‌هایی مثل کامپیوتر، ادبیات، معارف و ... با بیکاری فارغ‌التحصیلان مواجهیم. این مسئله در دانشگاه آزاد به‌ویژه در سطوح تحصیلات تکمیلی ایجاد شده است. این عدم یکپارچگی باعث شده که نظارتی نباشد و بدون توجه به نیاز حال و آینده کشور سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی بکنیم. نگاهمان به مهارت‌آموزی و تحصیلات دانشگاهی باید یک نگاه سرمایه‌گذاری باشد ما ممکن است برای یک مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد ۱۰۰ میلیون تومان هزینه کنیم و بعد فرد با مدرک کارشناسی شغل مناسب پیدا نمی‌کند و مثلا به رانندگی تاکسی رو می‌آورد یا فروشنده یک مغازه می‌شود که می‌توانست بدون طی این ۴ سال به آن شغل دست یابد. این یعنی اتلاف سرمایه نیروی انسانی. البته در کشورهای پیشرفته هم برای تحصیل افراد مانع ایجاد نمی‌کنند اما نیازهای شغلی هر رشته مشخص است و اعلام می‌شود که مثلا در چند سال آینده ما این تعداد لیسانس ادبیات نیاز داریم و اگر کسانی بیش از این ظرفیت اشتغال به تحصیل داشتند بدانند که ظرفیت اشتغال در این رشته

چقدر است و با انگیزه کسب شغل در این رشته وارد نشوند اما اگر علایق دیگری دارند معنی برای تحصیلشان در این رشته وجود ندارد.

۶- برای مدیریت صحیح در این حوزه چه سازوکاری وجود دارد؟

برای مدیریت صحیح این حوزه بحث طراحی نقشه آمایش آموزش عالی از سال ۹۴ مطرح شده که این نقشه هم متأسفانه هنوز عملیاتی نشده و به شکلی نیست که پذیرش در آموزش عالی متناسب با نیاز و اقتضات کشور باشد. منظور هم نیاز کلی کشور است و هم نیاز منطقه‌ای و حتی اینکه در دوره‌های هنرستان و پایین‌تر به فکر این باشیم که نیازهای شغلی یک روستا را هم بتوانیم از افراد بومی تحصیل کرده و بامهارت همان روستا تامین کنیم.

۷- برای هدایت تحصیلی درست و آموزش مهارت‌های شغلی در نظام تربیت نیروی انسانی کشور چه باید کرد؟

- هدایت تحصیلی بر مبنای سوابق توصیفی دقیق انجام شود و نه بر مبنای نمرات دروس نظری.
- توزیع رشته‌ها چه در هنرستانها و چه در دبیرستانها و چه در دانشگاهها بر مبنای نیاز حال و آینده کشور باید باشد. این موضوع در سند تحول بنیادین هم به خوبی اشاره شده است.
- در هدایت تحصیلی درست برای بچه‌ها باید آنها را با مشاغل مختلف آشنا کنیم و اطلاعات درست و دقیقی در مورد آن مشاغل به آنها ارائه کنیم. مثلاً در مورد شغل مهندسی پزشکی، لازم است بدانند که نیازهای این شغل چیست و چه فعالیت‌هایی را شامل می‌شود؟ ماموریت خارج از بیمارستان دارد؟ ماموریت خارج از کشور دارد؟ آیا همه آموزشها در داخل کشور موجود است؟ آیا باید آچار هم دست بگیرد؟ حقوق، بیمه و مزایایش چگونه است؟ این شغل چقدرش دولتی است و چقدر خصوصی؟ آسیبها و مخاطرات این شغل چگونه است و ...
- فرهنگ نا صحیح حکمفرما بر انتخاب رشته به‌ویژه در دوره دانشگاهی باید اصلاح شود. اینکه اولیای دانش‌آموز بدون توجه به انگیزه، رغبت، توانمندی و استعداد فرزندشان او را مجبور می‌کنند که رشته خاصی را انتخاب کند. توصیه‌های ما مبتنی بر شناخت صحیح استعدادها و نیاز کشور باشد تا در درازمدت فرهنگ ناصحیح حاکم بر مهارت‌آموزی و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان اصلاح شود.

چشم انداز آینده

اگر با این وضعیت پیش برویم اعتبار و جایگاه نظام تعلیم و تربیت ما روز به روز کمتر می‌شود و به نوعی تلف کردن سرمایه‌های ملی و عمر بچه‌های مردم است و به نسبت آنچه مردم و دولت در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کنند برداشتمان خیلی کم است. وقتی در صد بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را اعلام می‌کنیم اینها سرمایه‌های کشور هستند که برای مدرک لیسانس هر کدامشان ممکن است ۲۰۰ میلیون تومان هزینه صرف شده باشد (۵۰ میلیون هزینه مستقیم آموزش و ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون هم هزینه کار نکردن و ضررهایی که از دست دادن فرصت برای خود شخص و خانواده‌اش رقم می‌زند). این ارقام اتلاف سرمایه ملی ماست که صرفاً به خاطر سوء مدیریت و سوء برنامه‌ریزی در توزیع رشته‌های تحصیلی و برآورد و اعلام نیاز شغلی و تحصیلی ماست. ما حتی برآوردی از نیازهای شغلی نداریم. پژوهشهای ما چه در آموزش و پرورش و چه در آموزش عالی و چه در وزارت کار و ... برآوردی از نیاز شغلی حال و آینده در حوزه‌های مختلف نشان نمی‌دهد. به نظر می‌رسد با چنین روندی در خیلی از رشته‌ها و خیلی از حوزه‌ها اعتبار نظام آموزش عالی ما زیر سوال می‌رود و خود افراد کارآفرین بدون حمایت مالی و حمایت دولتی و بدون اینکه ارتباطی با رشته تحصیلی شان داشته باشد تقریباً تحصیلات دانشگاهی را کنار گذاشته و با توجه به ذوق و سلیقه‌شان فعالیتی را آغاز کرده‌اند.

نبود مرجع مشخصی برای دریافت اطلاعات مشاغل

ما مرجعی که اطلاعاتی راجع به مشاغل به ما بدهد در کشور نداریم. فرض کنید فرزند شما به شغل مهندسی معدن علاقه‌مند است و اعلام شده که ۵۰ نفر برای این شغل نیاز هست یعنی ظرفیت وجود دارد و فرزند شما هم علاقه‌مند است ولی آیا صرف علاقه‌مندی و وجود ظرفیت کار برای هدایت فرزندتان به این رشته کافی است؟ آیا اطلاعات دقیقی از این شغل و نحوه انجام کار و شرایط و سختی‌های کار و مزایای آن دریافت کرده است؟ چه کسی این اطلاعات را در اختیار دارد و چگونه در اختیار فرزندتان قرار می‌دهد؟ در گذشته دفترچه‌هایی بود که مشاور مدرسه این اطلاعات را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌داد تا آگاهانه انتخاب کنند البته این شامل اطلاعات حقوق و مزایای شغلی و ... نمی‌شد. الان در کشورهای موفق دنیا این اطلاعات به صورت شفاف و به‌روز در اختیار افراد قرار می‌گیرد بعلاوه اینکه اطلاعات به‌روز هم به صورت آنلاین از همان مراجعی که این شغل‌ها را ارائه می‌دهند در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد.

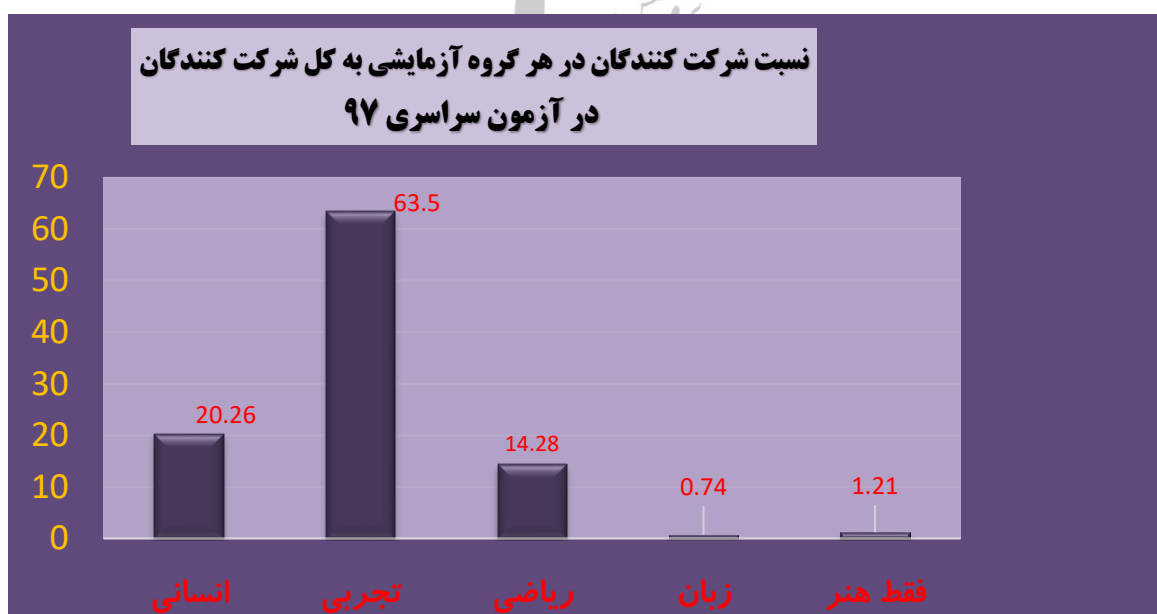
سخن پایانی

در کشور ما نظام تربیت نیروی انسانی یکپارچه نیست و حداقل دو وزارتخانه در آن درگیر است که ارتباط ساختاری درستی با هم ندارند. در کشورهای موفق یک وزارتخانه ر صد و هدایت را به عهده دارد و حاصل آن یک شهروند موفق خوب و توانمند و شاغل است. اما در کشور ما هیچکدام از نهادهای متولی اطلاعات نهاد دیگر را که زیربنای برنامه‌ریزی است ندارد و وظیفه‌ای هم برایش در این خصوص تعریف نشده است. تا زمانی که هماهنگی بین این نهادها برقرار نشود طرح‌هایی مثل طرح جامع هدایت تحصیلی، مهارت‌آموزی و آمایش آموزش عالی هم چندان موفق نخواهند بود.

پیوست: تحلیل نتایج کنکور سراسری ۹۷

نمونه ای از کژکارکردهای نظام مهارت آموزی و هدایت تحصیلی در مقام اجرا به وضوح در آمار مربوط به کنکور امسال قابل مشاهده است. به آمار نگاه کنید فاجعه رشته تجربی را ببینید:

تعداد شرکت کنندگان در آزمون (نفر)	کل ظرفیت پذیرش (نفر)	تعداد صندلی خالی	افرادى که رد خواهند شد	افرادى که فقط این گروه را انتخاب کرده اند	گروه های آزمایشی
۲۰۴۹۳۶	۳۰۸۱۵۴	۱۰۳۲۱۸			علوم انسانی
۶۴۲۲۲۸	۱۷۴۹۵۸		۴۶۷۲۷۰		علوم تجربی
۱۴۴۴۳۷	۲۳۶۲۲۳	۹۱۷۸۶			ریاضی فیزیک
۱۴۵۵۴۱				۷۵۳۴	زبانهای خارجی
۷۸۸۱۵				۱۲۲۴۹	هنر
۱۰۱۱۳۸۴					کل شرکت کنندگان



درصد شانس قبولی در آزمون سراسری ۹۷ به تفکیک گروه های آزمایشی



نتیجه تحلیل

در گروه های انسانی و ریاضی همه شرکت کنندگان در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی پذیرفته خواهند شد. ضمن اینکه ظرفیت خالی وجود خواهد داشت. اما در گروه علوم تجربی به دلیل تعداد بسیار بالای شرکت کنندگان و رقابت فوق العاده سنگین و نفس گیر، فقط ۲۴/۲۷ درصد از شرکت کنندگان پذیرفته خواهند شد و ۷۶/۷۲ درصد آنان مردود و خداحافظی خواهند کرد.